

جلسه اول . ۹۳/۶/۲۴

موردی دین : - محور اول) تطبیق نظریه های انقلاب با انقلاب اسلامی ایران .

- محور دوم) تاریخ انقلاب اسلامی ایران .

منابع مربوط به تبیین نظام سیاسی نظام پهلوی؛ مانند چهره پاره آینه (اشرف پهلوی)
منابع ژورنالیستی خارجی؛ مانند معانی حویلیا .
منابع انقلابیون؛ مانند کتاب های مرکز اسناد انقلاب اسلامی و خاطرات انقلابیون و سزاخانی .

مؤسسات و نهادهای که در زمینه انقلاب اسلامی ایران، فعالیت کرده اند:

- ۱. مرکز اسناد انقلاب اسلامی ایران
 - ۲. مؤسسه تاریخ معاصر ایران
 - ۳. ژورنالهای امام خمینی
 - ۴. مؤسسه فرهنگ و معارف اسلامی
 - ۵. معاونت فرهنگی نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاه ...
- * این دین نیز مجموعه های گسترده ای تدوین شده و رشته های انقلاب اسلامی، مدرسین انقلاب اسلامی و تراث انقلاب اسلامی و جایزه های انقلاب اسلامی و ... نیز شامل گرفته است .

جلسه دوم . ۹۳/۶/۳۱

* انقلاب اسلامی ایران از این باب که یک بدیهی محقق شده است، یک آزمون مناسب است برای نظریه پردازان انقلاب که می توانند نظریات مختلف را با آن تطبیق دهند . مثلاً می توان نظریه های مارکسیست انقلاب را با انقلاب اسلامی ایران مقایسه کرد و تطبیق داد یا سیستم آبی در ایران جایزه طبیعت وجود داشته است یا نه .

و وقوع انقلاب اسلامی ایران، موجب تعدیل یا تغییر نظریات انقلاب شده است . برای مثال نظریه های اسکاتلند از مناسبات جوامع کسب و کاری، دولت های تحصیلدار تعدیل شد معنی انقلاب عمومی ایران باعث شد نظریه های جدیدی توسط اسکاتلند ارائه شود . انقلاب اسلامی در نظریات انقلاب جایزه ایجاد کرد و موجب تعدیل آن شد .

* ممکن است نظریات انقلاب به طور کامل و صددرصدی قابل تطبیق با انقلاب نباشد، بلکه بخشی از این نظریات امکان تطبیق داشته باشد . مانند نظریه های کربن برنیون که در مورد انقلاب ایران تطبیق دارد بخشی از آن .

* پس از وقوع انقلاب اسلامی ایران، نظریه های فرهنگی انقلاب به نظریات انقلاب افزوده شد که تا پیش از آن چنین نظریاتی وجود نداشت؛ چرا که اکثر انقلاب های که در قرن ۲۰ شکل گرفته، انقلاب های غربی بوده و با شعارهای ضد سرمایه داری رخ داد . اما در انقلاب اسلامی ایران، مفهوم دین و اندولوژی دین جایزه مهمتری دارد . انقلاب ایران با مبانی اعتقادی، فرهنگی و اندولوژیکی به وقوع پیوست . در حالی که انقلاب های پیشین با ریشه های اقتصادی رخ داده بود . لذا فرهنگ و مذهب به عوامل وقوع انقلاب افزوده شد .

* از بین نظریات مختلف که در مورد انقلاب ایران وجود دارد (نظریات سیاسی آبراهامسون، اعتقادی، چپ، ...)، تحلیل های فرهنگی نیز در خصوص آن شکل گرفته است . حجم گسترده ای از تحلیل های فرهنگی است . فوکو در کتاب «ایران حاکم پهلوی» در سر دارند . می گوید ایران حاکم دنیای حکومتی هستند که تا آنجا که ما در ذهن داریم، متفاوت است . لذا فوکو جزو نظریه پردازان فرهنگی در مورد انقلاب ایران به شمار می رود . پیش از آنکه انقلاب اسلامی ایران با استدلال های فرهنگی و مذهبی نوشته شده اند . می توان گفت ۷۰ درصد تحلیل های که در خصوص انقلاب ایران صورت گرفته است، تحلیل های فرهنگی است .

* دیگر می توان ادعا کرد که نظریه های برآمده از انقلاب با تطبیق دارد؛ چرا که در علوم انسانی تطبیق یک نظریه و تقسیم آن بر همه بدیهه های مرتبط با آن امکان پذیر نیست . لذا اکنون بحث هر انقلاب، یک نظریه مطرح است .

جلسه سوم . ۹۳، ۷، ۷

- تظریه های جامعه شناختی
- تظریه های سیاسی
- تظریه های اقتصادی
- تظریه های فرهنگی
- تظریه های تاریخی

مباحث نظری انقلاب اسلامی

تظریه های تاریخی انقلاب اسلامی ایران: یک رویکرد این است که دو انقلاب را که مربوط به دو سده زمین است، از لحاظ تاریخی تطبیق دهیم. رویکرد دیگر آن است که نگاه درونی داشته باشیم، یعنی دو انقلاب در داخل یک کشور بررسی کنیم؛ مثلاً انقلاب اسلامی را با انقلاب مشروطیت مقایسه کنیم.

* از جمله نظریه پردازان تاریخی انقلاب اسلامی، «نیلز گری» است که در کتاب «ریشه های انقلاب ایران» به بررسی انقلاب اسلامی پرداخته است. او هم مؤرخ است و هم گام ایران شناس. ریشه های انقلاب ایران از نخستین کتاب های مربوط به انقلاب اسلامی است.

* کتاب «مقاومت شکننده» از جان فورن دیگر کتابی است که از لحاظ تاریخی به بررسی انقلاب اسلامی می پردازد. نیلز گری دو نگاه را در مورد انقلاب ایران مد نظر دارد:

- معنای بی درونی: معنای انقلاب ایران با نهضت های پیشین در ایران، اصل بحث گری در این بخش است.
- معنای بیرونی: معنای انقلاب ایران با انقلاب کشورهای دیگر به صورت گذرا.

در معنای بیرونی، دو تفاوت عمده میان انقلاب ایران و انقلاب های بزرگ دنیا مطرح می کنند:

۱) انقلاب ایران، یک انقلاب ایدئولوژیک و مذهبی است. فرهنگ و مذهب در آن نقش عمده دارد. این مسئله را می توان در رهبر، شعارها و مآذنه کرد.

۲) انقلاب ایران، یک انقلاب شهری بود. در روسیه ابتدا شورشی های دهقانان شکل گرفت. در چین انقلاب از روستاها به شهرها گسترش یافت. اما در ایران انقلاب از شهرها آغاز شد.

گام اصلی گری در معنای بیرونی صورت گرفته است. می گوید اگر اتفاقات ایران را بررسی کنیم و تاریخ صد ساله ی قبل از انقلاب را ببینیم، متوجه می شویم تعداد نهضت ها و حرکت های مردم در ایران نسبت به جهان اسلام، به نظر است. نه تنها از لحاظ تعداد بلکه از نظر دامنه و گسترش آن ها، بیس تر است. نکته ای که گری استخراج می کند این است که تمام این رخدادها که آن های که به نتیجه رسیده اند مانند مشروطیت و چه آن های که موفق نبوده اند مانند نهضت ها خردار - داری دولایه ی ضد استبدادی و ضد استعماری هستند.

گری معتقد است نهضت مشروطیت به سبب تر از سایر نهضت های رخ داده در ایران است؛ لذا به معنای انقلاب اسلامی و نهضت مشروطیت می پردازد.

انقلاب مشروطیت در زمان قاجار رخ داد. دوره ای که قاجار به تحت سلطه ی دو قدرت بزرگ آن زمان یعنی روسیه و انگلستان بود. هر دو کشور روسیه و انگلستان در حال رقابت برای گرفتن امتیاز از ایران بودند. کاهش عوارض واردات برای روسیه و انگلستان موجب اعتراض تجار ایرانی شد؛ چرا که کاهش عوارض تمرکبات، باعث ایجاد پول در می شد و کاهش تولید و فروش کالاهای ایرانی را در پی داشت.

در همین زمان خشکسالی موجب نا رضایت دهقانان شده بود. از طرف دیگر در این دوره، ارتش قدرتمندی وجود نداشت. ارتش قزاق ها برای اداره شهرها استفاده می کرد ولی قدرت سرکوب شورشی را نداشت. از سوی دیگر نفوذ بالایی علمای ایران ساکن در نجف اشرف از جمله میرزای شیرازی بسیار تأثیرگذار بود. این طبیعتی مستقلی علا از وضع موجود ناراضی بودند.

طبیعتی روشنفکران اگرچه در اقلیت بودند، ولی آن لاتر نا رضایتی خود را از طریق انتشار کتاب و مخصوص روزنامه های مردم مستقل می کردند. از جمله این افراد ملکم خان بود.

بنابر این اگرچه هفت مشروطه، ضد استعماری بود ولی لایه ضد استبدادی آن قوی تر بود. یعنی پیش تر به دنبال کاهش استبداد حاکمان بودند. لذا در هفت مشروطه، اختیارات پادشاه کاهش یافت. این امر با تشکیل مجلس و نوشتن قانون اساسی انجام شد. جنبه ضد استعماری کم بود زیرا هم پیش رفتن لایه غرب را می دیدند و هم غارت منابع ایران را نمی دیدند.

سؤال اصلی روشنفکران این بود که چرا اروپایی ها پیش رفتن کرده اند ولی ما عقب افتاده ایم. ملکم خان می نویسد این بدان دلیل است که آن لا قانون دارند ولی ما نداریم. لذا روزنامه های که منتشر می کنند با نام قانون است. لذا انقلاب مشروطه با حذف محدود اختیارات حاکم شکل گرفت و با شکل گیری پارلمان و تصویب قانون اساسی، این موردی اعمال شد. اما اشکال آن بود که قانون اساسی غربی کماط شده بود.

جلسه چهارم ۱۶، ۷، ۹۳

انقلاب اسلامی: در انقلاب اسلامی تضاد طبقاتی وجود داشت. استبداد شاه وجود داشت. نا رضایتی بین گروه های مختلف مانند انقلاب مشروطه وجود داشت. روشنفکران مثل سر قیصر، جدال اول احمد...، روحانیت - صریحان رعایت آیت الله موجودی و صریحان امام خمینی... طبقات کارگر... از جمله نا رضایتان بودند. در اثر این نا رضایتی، قیام مردمی شکل گرفت که به انقلاب اسلامی منجر شد. « با مقایسه این دو انقلاب، نیکو کدی، در پایان این سؤال را مطرح می کند که چه شد انقلاب سال ۵۷؟ اسلامی شد، اما انقلاب مشروطه، غربی شد؟

کدی پاسخ می دهد که ماهیت دشمن باعث این جهت گیری شد. در انقلاب مشروطه ماهیت دشمن استبداد داخلی بود؛ لذا با اکثریتی از کتولای پیش رفتن اروپایی به دنبال تشکیل پارلمان و قانون اساسی رفتند. اما با گذشت ۵۰ سال با عدم توسعه ایران، دریافتند که باید جلوی استعمار خارجی را گرفت.

در انقلاب مشروطه، به دلیل خوش بینی ام که به نظام لای غربی وجود داشت، به سمت ساختار لای غربی رفتند. اما در سال ۵۷ نوعی بدبینی به غرب وجود داشت. لذا جنبه ضد استعماری و ضد امپریالیستی انقلاب اسلامی بر یک تر بود.

انقلاب اسلامی ایران از منظر توسعه (مجموعه مباحث نیکو کدی)

افراد مانند هاستینگتون می گویند بحران لای جامعه منجر به انقلاب می شود؛ یعنی توسعه و انقلاب مرتبط اند. نیکو کدی معتقد است توسعه در شتابان شاه در سال ۱۳۴۰ از آن جایی که ظرفیت آن در مردم وجود نداشت، باعث وقوع انقلاب در ایران شد.

فرضیه نیکو کدی: حرکت شتابان در توسعه موجب انقلاب شد. سؤال: چرا انقلاب ایران مذهبی شد؟ انقلاب های معاصر هگی ماهیت مارکسیستی و چپ داشتند؛ چرا برخلاف انقلاب های دیگر، در ایران انقلاب مذهبی رخ داد؟

استدلال‌های گدی: در جریان توسعه، مردم به دو دسته تقسیم می‌شوند: سنتی‌ها و مدرن‌گراها. در انقلاب ایران، سنتی‌ها روحانیون و بزرگواران بودند. آن‌ها در مقابل مدرن‌گراسیون قرار گرفتند؛ چرا که مدرنیته را به ضرر خود می‌دانستند. از طرف دیگر، روستاییان نیز به سنتی‌ها پیوستند و آن‌ها مذهبی‌تر بودند. چون مدرن‌گراسیون باعث خسارت به کشاورزی می‌شد، روستاییان کم‌کم جذب شهرها شدند، در نزدیکی شهرها قرار گرفتند و با سنتی‌ها همراه شدند. فرزندان لای شاهی عامل دیگر بود. چرا که در این دوران، شاه، پسر تر به نیابت با کوششک‌ها می‌پرداخت و توجه زیادی به روحانیون و گروه لای مذهبی نداشت؛ لذا آزادی مذهبیون و عدم سرکوب آنان، باعث شد انقلاب ایران مذهبی شود.

نقد دیدگاه گدی در خصوص انقلاب و توسعه:

۱. گدی در اصل تاریخ نگار است و سنتی به انقلاب ایران آشنایی عمیق ندارد. لذا عدم داشتن اطلاعات کامل و جامع در مورد انقلاب ایران باعث شکل‌گیری نظریه این اشتباه توسط گدی شده است.
 ۲. مخالفت با شاه را به مذهبی‌ها نسبت می‌دهد. این در حالی است که جناح لای دیگر از جمله جناح لای چپ در انقلاب ایران حضور داشتند. لذا نمی‌توان انقلاب اسلامی را فقط به سنتی‌ها و مذهبی‌ها محدود دانست.
 ۳. گدی معتقد است مدرن‌گراسیون موجب اتحاد سنتی‌ها شد و مقابل حکومت قرار گرفتند؛ اگر شاه اقدام به توسعه نمی‌کرد، انقلاب به وقوع نمی‌پیوست. در نقد این گفتار، می‌توانیم در انقلاب مشروط که هیچ‌گونه مدرن‌گراسیون صورت نگرفته بود، روحانیون و بزرگواران‌ها با یکدیگر متحد شده بودند. پس مدرن‌گراسیون عامل اتحاد این دو جناح نیست.
 ۴. در نقد استدلال دوم گدی می‌توانیم روستاییان آخرین گروهی بودند که به انقلاب پیوستند. ضمناً طبقات مختلف جامعه‌ی ایران در انقلاب حاضر بودند.
 ۵. استدلال سوم گدی اشتباه است؛ زیرا طبق آمارها، به همان میزان که چپ‌ها در زندان بودند، مذهبی‌ها در زندان بودند. اگر پیش‌تر نبودند، کم‌تر هم نبودند.
- در نتیجه باید گفت عامل شکل‌گیری انقلاب ایران محدود به توسعه نیست.

جلسه ی پنجم: ۲۸، ۲۷، ۲۹

نظریات فرزندگی انقلاب اسلامی ایران

نظریات مختلفی را در بر می‌گیرد و هر نظر بر بردار از منظر خاصی به انقلاب اسلامی پرداخته است. مثلاً عبد رنجانی به نقش مذهب می‌پردازد یا فولو به معنویت (در مقابل مادی‌گرایی) توجه دارد. افرادی مثل حمید عنایت، عبد رنجانی، باغانی، منوچهر محمدی به عامل مذهب در انقلاب اسلامی پرداخته‌اند.

در این جا به نظر به حمید عنایت می‌پردازیم.

حمید عنایت در مقاله‌ای با عنوان «انقلاب ایران، مذهب به عنوان ایدئولوژی سیاسی» که به زبان انگلیسی در سال ۱۳۷۰ نوشته، به بررسی انقلاب اسلامی می‌پردازد.

منظور از مذهب به عنوان ایدئولوژی یعنی این که مذهب از حالت امور شخصی و عبادی صرف خارج شد و با ورود به اجتماع، حرکتی به وجود آمد و انقلاب را شکل داد.

چون تغییرات بنیادین در ایران شکل گرفت و با تقاضای آن از انقلاب داریم، حمید عنایت معتقد است می‌توان با این خصوصیات نام انقلاب بر تحولات ایران گذاشت. استقلال از غرب و نگاه به درون و... از دیگر مشخصه‌های انقلاب ایران است.

سطوح بررسی: (۱) وجوه اشتباه انقلاب ایران با سایر انقلاب‌ها. (۲) وجوه اختلاف انقلاب ایران با دیگر انقلاب‌ها.

* محمد عنایت و جبهه اختلاف را مورد تأکید قرار داده است.

۴ وجوه تشابه: در جریان انقلاب اسلامی همواره تناقضاتی وجود دارد، از جمله: بی‌سوادی و روشنفکری، سنت کزایی و مدرنیته کزایی، پیشرفت و عقب ماندگی، استبداد و آزادی، ... این موارد در انقلاب ایران هم مشاهده می‌شود.

در جریان انقلاب اسلامی، توسعه اقتصادی صورت می‌گیرد اما انقباض سیاسی هم ضامن حفظ می‌شود. همچنین در پیس می‌تواند یک دوره شکوفایی اقتصادی به وجود می‌آید که پس از آن افول اقتصادی، دنبال دارد.

۴ وجوه اختلاف: آن چه ما می‌بینیم در انقلاب در اثر برخورد و تضاد طبقاتی حاکم و کارگر است، در مورد انقلاب ایران هم ضامن ندارد. به صورت کلی انقلاب ایران با نظریات چپ مطابقت ندارد.

ویژگی انقلاب ایران که آن را از دیگر انقلاب‌ها متمایز می‌کند:

«عناصر مذهب، رادیکالیسم اصلی و منحصر به فرد انقلاب ایران معرفی می‌کند.» «انقلاب ایران در جهت توسعه سطح اسلامی مذهب به وقوع پیوست که عمق و مفاداری به مذهب شیعه را نمودار کرد؛ مذهب شیعه باعث شد انقلاب ایران خصوصیات بیاد کند که در میان انقلاب اسلامی هم عصری جایگاه خوبی باید. من نقش مذهب را عنصر اصلی در کل انقلاب اسلامی ایران می‌دانم.» ← (جولانه از حمید عنایت)

استدلالات حمید عنایت

عنایت می‌گوید اگر انقلاب ایران مذهب نباشد، چه عنوان دیگری می‌توان برای آن در نظر گرفت؟! عنایت با بررسی تاریخ صدساله گذشته ایران می‌گوید، هرچه حرکت و حرکتی که شکل گرفته، عامل مذهب را در آن می‌بینیم. نهفتن سبک، نهفتن مشروطیت، قیام جنگل، ملل شدن صنعت نفت، قیام ۵۷ خردار، حکم حرکت اسلامی مذهب بوده‌اند. استدلال او این است که چون جامعه ایران، جامعه‌ای مذهب بوده است؛ لذا قیام اسلامی ایران رنگ و بوی مذهب داشته است. پس انقلاب اسلامی ایران در سال ۵۷ هم انقلاب مذهب بوده است.

عنایت تفاوت میان انقلاب اسلامی و سایر انقلاب‌ها در ایران قائل می‌شود: می‌تواند در انقلاب مشروطیت مذهب را نتواند مذهب را در دست گرفته و تقسیم قدرت و حکومت با روشنفکران غرب زده صورت گرفته. در نتیجه کم‌کم نهفتن مشروطیت از اختیار مذهب را خارج شد. اما در انقلاب اسلامی ایران، حرکت از ابتدا توسط مذهب آغاز شد و در ادامه حکومت نیز در دست مذهب باقی ماند.

* عنایت معتقد است مفاهیم شیعی در انقلاب اسلامی ایران مورد بازنگری قرار گرفته. (مثلاً مفاهیم انتظار، مهدویت، قیام امام حسین (ع) و ... از مفهوم سنتی خود فاصله گرفته و تغییر یافته.

جلسه ششم: ۹۳، ۸، ۵

چنان که گفته شد عنایت بر این عقیده است که در انقلاب اسلامی ایران، مفاهیم شیعی (مفاهیم انقلابی در مکتب شیعه) مورد بازتفسیر قرار گرفته.

مکتب اهل سنت با مفهوم محاطه کاری و همکاری با حکومت سروکار دارد. سناد دلیل آن ارتزاق از حکومت باشد. لذا قیام ای زبانی از سوی اهل سنت دیده نمی‌شود.

عنایت می‌گوید از برای تشیع پس از دوره صفویه شروع شد. به همین دلیل نوعی روحیه محاطه کاری در بین شیعیان ایجاد شد.

با انقلاب اسلامی ایران، مفاهیم شیعه در آستانه انقلاب تغییر یافته و مفهوم انقلابی پیدا کرد.

قیام امام حسین (ع) فلسفه قیام امام حسین (ع) است. پس از صفوی به صورت تقریبی نمایش داده شد و غزاداری و شعار ظاهری اصیت پیدا کرده بود و مصیبت وارده به اهل بیت مورد تأکید بود. اما در جریان انقلاب اسلامی، مفهوم عاشورا تغییر پیدا کرد و جنبه مبارزه با ظلم در قیام حسین برجسته شد.

مفهوم انتظار نیز بازتفسیر شد. قبل از انقلاب انتظار این بود که نفسی شده و وظیفی ما این است که صبر کنیم و منتظر باشیم تا زمانی که با ظهور امام زمان (ع) ظلم و فساد از بین برود.

بازتفسیر جدید انتظار این بود که وظیفی ما این است که زمینهای ظهور را ایجاد کنیم و عدالت را گسترش دهیم. این مفهوم جدید به قیام منجر می شود.

مفاهیم جدید شعر به شکل گریه ایدئولوژی انقلاب اسلامی ایران انجامید.

*** آیا تعبیر به بازتفسیر مفاهیم شعری در جریان انقلاب صحیح است؟ آیا حقیقتاً مفاهیم شعری بازتفسیر شده است؟**

این تعبیر صحیح نیست؛ تعبیر درست «اجتباری» است. در واقع هدف قیام امام حسین (ع) از ابتدا مبارزه با ظلم بوده ولی در طول زمان برداشت نادرستی از آن شده است. پس بهتر است بگویم مفاهیم شعری که در طول تاریخ به جا مانده رفته اند، اجناس شده اند.

در حقیقت این نوع برداشت جدید عنایت از مفاهیم شعر با تأثیر پذیری از مسیحیت و کاتولیک و پروتستان صورت گرفته است. یعنی مسیحیت محافظه کار کاتولیک دمار بازخوانی قرار گرفت و پروتستانتریم به وجود آمد که مفاهیم جدیدی باز تولید شدند. ایرانی که به عنایت وارد می شود این است که مفاهیم شعر را مانند مسیحیت پروتستان تعبیر کرده است.

*** نقش مجتهدان در وقوع انقلاب اسلامی بسیار مهم بوده است. عنایت معتمد است مجتهدان توانستند خود را به سرعت با جریانات جدید تطبیق کنند. حتی در نهضت مشروط نیز توان چنین رویکردی را دید. مجتهدان توانستند مشروط را با اسلام تطبیق دهند. در جریان انقلاب اسلامی هم این طور بود. امام حسین (ع) نوع حکومت را جمهوری اسلامی مطرح کرد. جمهوریت در هیچ جایی قرآن دست نیامده اما چون با مفاهیم اسلامی مغایرت ندارد، می پذیریم.**

این رویکرد از ویژگی های مجتهدان شعر است. چنین رویکردی در میان علمای اهل تشن مشاهده می شود؛ چون اجتهاد در بینشان جایگاه ندارد.

*** از دیگر عناصر تأثیرگذار در نهضت شدن و بروز انقلاب ایران نقش داشت، «عضر رهبری» است. رهبری واحد توانست شعارهای استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی را مورد توافق همگان قرار دهد.**

مذهب شعر اولین منبع برای تجهیز و چهارچوب بنیادین انقلاب است.

جلسه هفتم: ۲۶، ۱، ۹۳

در بررسی نظریه های فرخنده انقلاب، تعریف موسع فرخنگ مدنظر است؛ یعنی می تواند شامل مذهب، آداب و رسوم، به هر شود. فولکو به عنوان یک فیلسوف، حضور معنویت در انقلاب ایران را مهم ترین جلوه آن می داند.

فولکو یک سیت مدرن است و تجربه برای صرف نیست؛ بلکه به عوامل و جنبه های دیگر نیز توجه دارد. لذا به حضور معنویت در سیاست توجه می کند.

پوپک طاعتی نیز تحلیل دارد که در چهارچوب **فرهنگ اجتماعی** قرار می گیرد. این درک اجتماعی از سلطه استعمار نیست می گردد. روسیه و انگلستان و آمریکا نقش استعمارگر در ایران داشته اند. فهم اجتماعی مردم این بود که ملت صد و پنجاه سال گذشته حواره ایران تحت استعمار غیر مستقیم بوده است؛ لذا می خواستند از زیر بار ظلم و ستم و سلطه استعمارگران

خارج شوند. این تحلیل از منظر فرهنگ اجتماعی، زیر مجموعه ی تقریبات فرهنگی است.

میشل فوکو:

کتاب لای زبانی در عصری فلسفی علم دارد و از روشنگران نیست مدرن است.

در زمان انقلاب ایران، در ایران حضور داشت و در روزنامه ی «لوموند» انگلستان کار می کرد. مقالات زیادی نوشت از جمله: ساه صد سال عقب بود، انبار باروتی به نام اسلام، انقلاب ایران سوار بر نوارهای ضبط صوت، ...

۲ نکته برای فوکو در مورد انقلاب ایران مهم بود:

۱) نبودن این انقلاب؛ انقلاب ایران به جهت مطالبات مردم که مادری صرف نیست و شعارهای اسلامی را در از دست انقلاب متمایز است.

۲) منحصر بودن انقلاب ایران.

* فوکو روحیه ی استبداد ستیزی داشت. به علاوه نسبت به مردم ایران عشق می ورزید و به فرهنگ و تمدن ایران، علاقه مند بود.

برای فوکو ۲ مسئله در فلسفه ی علم اهمیت دارد:

۱ قدرت ۲ تاریخ

→ قدرت امر سیاسی است که بخشی از آن در دست حکومت است و بخش دیگر در اختیار اجتماع و مردم است. قدرت متمرکز در حکومت نیست. قدرت درون جامعه اگر متمرکز شود، می تواند به انقلاب منجر شود؛ خصوصاً زمانی که نوعی مقاومت در جامعه علیه حکومت شکل می گیرد.

→ علی رغم این که تصور می شود تاریخ امری بیوسسته است، باید گفت این نوع نیست. مفاصلی در هر کشور وجود دارد که می تواند آن کشور را بابتک جوش تاریخی مواجه کند و آن کشور را چندین سال جلو ببرد. انقلاب یا پدیده ای هستند که چنین جوشی را به وجود می آورد و تاریخ کشورها را به قبل و بعد از انقلاب تقسیم می کند.

* «ایرانی را چه رویایی در سر دارند؟» عنوان کتابی است که مجموعه مقالات فوکو را در بر می گیرد.

* مطالبات مردم ایران به قدرت علیه حکومت تبدیل شد و این قدرت از فرهنگ مقاومت که از ارزش لای شعری سرچشمه می گرفت، ناشی بود. فوکو «روح انقلاب اسلامی» را وارد کردن ارزش لای شعری معرفی می کند.

* فوکو می گوید: ایرانیان در انقلاب اسلامی به دنبال یک آرمان و تجربه ی معنویت گرایی بودند که آن را در مذهب شیعه دیدند.

مطالبات مردم ایران از منظر فوکو:

۱) پاسخ مردم به پرسش من، حکومت اسلامی بود. مردم خواستار حضور معنویت در سیاست بودند.

۲) بویک طاعتی:

عنوان تحلیل او: «...»

پاسخ او به پرسش «چرا انقلاب سال ۵۷ ایجاد شد؟» این است: «انقلاب پاسخی است به مسائل مورد علامه ی سیاسی تاریخی اقتصادی مردم ایران که به طور غیر مستقیم زیر سلطه ی قلمرو های خارجی بودند که به دنبال یک جامعه ی مستقل بودند که در آن فرهنگ، سیاست و اقتصاد فارغ از نفوذ ابر قدرت لا باشد.»

این درک اجتماعی در بین ایرانیان به وجود آمده بود که قدرت اداری و نظامی حکومت تصنیف شده بود. طاعتی از نظریه ی کاپیول برای بیان این تحلیل استفاده می کند. این که انقلاب لای زبانی رخ می دهد که ساختار اداری و نظامی ناتوان در برابر لای زبانی

Subject:

Year. Month. Date. ()

خارجی باشد.

تحلیل هم طاعتی از نظریه‌ی والریستین برگرفته شده است. والریستین منسوب انقلاب در کشورهای پیرامونی علیه نظام سلطه مشکل منگردد.

در مورد نظریه‌ی اسکاچپول در مورد ایران باید گفت در انقلاب ایران در ظاهر این اتفاق نیفتاد، اما بر منگردد به درک اجتماعی و دیدگاه ایرانی؛ یعنی این درک ایجاد شده بود که برودکراسی و نظام مسلط بر ایران نابود است.

طاعتی از نظریه‌ی والریستین این گونه استفاده می‌کند که جریان انقلاب ایران، انقلابی در کشورهای پیرامونی بوده است. شاه مردمی آمریکایی بود و نظام سلطه را مردم نپذیرفتند و انقلاب علیه نظام سلطه رخ داد.